

ملارجبعلي تبريزي

ملارجبعلي تبريزي، عارف و حکيم شيعي قرن يازدهم، اهل تبريز بود، اما به دليل اقامت طولاني در اصفهان، به اصفهاني نيز شهرت يافته است. تاريخ تولدش در منابع ذکر نشده است و درباره زندگي او اطلاع چنداني در دست نيست. اما بر اساس اطلاعات مختصري از زندگي او، تبريزي پس از کسب درجه اجتهاد در بغداد، به رياضت و تزکيه نفس روي آورد؛ هر چند مرشد او در سلوک شناخته نيست.

فيلسوفي در جدال با ملاصدرا

ملارجبعلي تبريزي، عارف و حکيم شيعي قرن يازدهم، اهل تبريز بود، اما به دليل اقامت طولاني در اصفهان، به اصفهاني نيز شهرت يافته است. تاريخ تولدش در منابع ذکر نشده است و درباره زندگي او اطلاع چنداني در دست نيست. اما بر اساس اطلاعات مختصري از زندگي او، تبريزي پس از کسب درجه اجتهاد در بغداد، به رياضت و تزکيه نفس روي آورد؛ هر چند مرشد او در سلوک شناخته نيست. ملارجبعلي نزد همگان، به خصوص شاه عباس دوم و پس از او، سليمان صفوي، از منزلت ويژه اي برخوردار بود، چنان که شاه عباس دوم خود به ديدار او مي رفت و از وي درباره احکام حکمت عملي استفسار مي کرد. شاه عباس دوم به دليل علاقه و ارادتي که به او داشت، خانه اي در شمس آباد اصفهان براي او خريداري کرد. شاه سليمان نيز با وجود بي ميلي ملارجبعلي به مرآده با دربار، همچنان راه و روش شاه پيشين را ادامه داد.

درباره استاداني که ملارجبعلي تبريزي در محضر آن ها فلسفه خوانده است، اطلاع دقيقي در دست نيست، جز اينکه در کتاب «منتخباتي از آثار حکماي الهي ايران»، به قلم پروفيسور هانري کوربن، وي شاگرد ميرفندرسکي و تحت تأثير آرا و تعاليم فلسفي او دانسته شده است. تبريزي در مدرسه شيخ لطف الله به تدریس فلسفه و علوم عقلي اشتغال داشت و در اين زمينه شهرت فراوان يافت. آن طور که قزويني راجع به او مي نويسد: «شفا و اشارات [نام کتابي که تبريزي آن را از عربي ترجمه کرد] مانند موم در دستان او بود». افندي اصفهاني نيز ضمن اذعان به مهارت وي در حکمت، او را در علوم ديني و عربي بي اطلاع دانسته است. اما نه تنها شواهد دي دال بر گفته هاي افندي وجود ندارد، بلکه با توجه به تحصيل تبريزي در بغداد و تدریس کتب عربي پيچيده و مشکل حکمت از قبيل «شفا» و «اشارات»، اظهارات افندي باطل به نظر مي رسد.

از جمله مهم ترين شاگردان ملارجبعلي تبريزي مي توان به ملامحمد تنکابني، محمدحسين و قاضي سعيد قمي، امير قوام الدين محمد اصفهاني، ملامحمد شفيق اصفهاني و محمدرفيق پيرزاده اشاره کرد. همچنين از مهم ترين آثار بر جاي مانده از او مي توان از اين موارد ياد کرد:

- 1- رساله «اثبات واجب» به فارسي که مشتمل بر يك مقدمه و پنج مطلب و خاتمه است. از اين رساله به خوبي مي توان دريافت که وي در باب وجود و مسائل اساسي آن با آراي ملاصدرا مخالف بوده است. آقا بزرگ طهراني از اين رساله با عناوين «اشترک الوجود» و «وجود الباري» نيز ياد کرده است.
- 2- «الاصول الاصفيه» يا «اصل الاصول». اين کتاب به زبان عربي است و درباره مسائل مهم و اصول فلسفه، از جمله حرکت جوهری و وجود ذهني - که هر دو را رد مي کند - صحبت کرده است.
- 3- «کتاب في الحکمه» به فارسي که قاضي سعيد قمي بعد از وفات ملارجبعلي، آن را با عنوان «البرهان القاطع و النور الساطع» به عربي ترجمه کرده است.
- 4- «تفسير آيه الكرسي».
- 5- المعارف الالهيه که محمدرفيق پيرزاده زير نظر ملارجبعلي آن را تحرير کرده است.
- 6- ديوان واحد تبريزي شامل مجموعه اشعار او.

ملارجبعلي تبريزي يکي از مهم ترين نظريه پردازان الهيات تنزيهي در حکمت شيعي است. اندیشه تنزيهي او درباره خدا موجب شده که از مخالفان سرسخت قول به اشتراك معنوي وجود و به تبع آن تشکيك وجود به شمار رود. وي همچنين بنا به نظرگاه تنزيهي خود، با دلايل عقلي و نقلي، به انکار ذات و صفات خداوند و حتي نفس صفات ذات او مي پردازد. به نظر رجبعلي، ترکيب وجود و ماهيت، انضمامي است و حمل وجود بر ماهيت، نظير حمل اعراض خارجي بر اشيا است. همچنين وي به اصالت ماهيت قايل است و وجود را تابع و فرع ماهيت مي داند. ملارجبعلي از منکران سرسخت قول به وجود ذهني است و در رساله «اصول اصفيه» اشکالاتي بر آن وارد کرده است. از آن جا که مرز ميان مشائيان و اشراقيان در فلسفه ايراني دوره اسلامي به درستي روشن نيست، انتساب رجبعلي تبريزي به فلسفه مشائني اندکي شتابزده مي نمايد و با توجه به استفاده او از کتاب «اثولوجيا»، وجود گرايش هاي اشراقي و نو افلاطوني در آراي وي مشهود است. با اين همه، داوري درباره انتساب تفکر فلسفي او به مکتب هاي شناخته شده فلسفي دشوار است. ملارجبعلي تبريزي (اصفهاني) تا پايان عمر در اصفهان سکونت داشت و در 1080 هجري قمری در همان جا درگذشت.

منابع

- کوربن، هانري، «منتخباتي از آثار حکماي الهي ايران»، ج 1، 1369 شمسي

- آقا بزرگ طهراني، محمدحسن، «الذريعه الي تصانيف الشيعه»، چاپ بيروت، 1403 قمری
- آقا بزرگ طهراني، «طبقات اعلام الشيعه: الروضه النصره في العلماء المأه الحاديه العشره»، چاپ بيروت، 1411 قمری
- آقا جمال خوانساري، محمدبن حسين، «رسائل»، چاپ قم، 1378 شمسي
- افندي اصفهاني، عبدالله بن عيسي، «رياض العلماء و حياض الفضلاء»، چاپ قم، 1401-1415 قمری
- دانشنامه جهان اسلام